

## پیش‌خواران

**حاشیه‌ای بر انتشار خاطرات حجت‌الاسلام مهدوی خراسانی**

## به روایت شاهد عینی

■ **محمد رضا کائینی**



بی‌شک روحانیت و به ویژه طیف خطبای آن در وقایع مهم تاریخ معاصر ایران، نقشی شاخص و تعیین‌کننده داشت‌اند. این نقش در نهضت‌های تنباکو، مشروطیت و ملی شدن نفت بروز فراوانی دارد. با این همه نقش

خطبای روحانی در انقلاب اسلامی ایران و مبارزات ۱۵ساله منتهی بدان، از برجستگی افزون‌تری برخوردار است و جا دارد به شکلی ویژه مورد توجه قرار گیرد. اثری که هم‌اینک به شما معرفی می‌شود، خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر مهدوی خراسانی از روحانیون و اهل منبر فعال در فرآیند نهضت اسلامی است که توسط مهدی قیصری تدوین یافته و مرکز اسناد انقلاب اسلامی آن را منتشر ساخته است. ناشر در دیباچه خویش بر این اثر، در باب اهمیت اینگونه خاطرات در پروسه تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی چنین آورده است: «یکی از منابع و مآخذ مورد استفاده در تدوین تاریخ، خاطره‌های اشخاص است. هر شخصی دارای تجربه فردی است که می‌تواند آن را در قالب خاطره روایت کند و به نوشتار درآورد. خاطره، وقایع گذشته است که شخص آن را دیده یا شنیده و بخشی از محفوظات ذهن است که چون از برجستگی و ویژگی خاصی برخوردار بوده، شایستگی ثبت و ماندگاری در ذهن را یافته است. خاطره حوادث، رویدادها و حتی سیر عادی زندگی روزمره است که با گذشت زمان، در قسمتی از ذهن جای گرفته و ماندگار شده است و بنا به نیاز شخص قابل یادآوری است. با وجود گذشت زمان طولانی از تاریخ وقایع، بخشی از وقایع که نقش مهمی در زندگی افراد داشته‌اند همواره در ذهن زنده‌اند، گرچه شرح دقیق و کامل آن و میزان یادآوری و ذکر جزئیات در افراد مختلف متفاوت است. برخی



✔ **حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر مهدوی خراسانی**

خاطر منویسی را در معنای عام آن، نه تنها یادآوری و تگارش دیده‌ها، بلکه شنیده‌ها هم دانسته‌اند که در آن، علاوه بر زمان و مکان وقوع خاطره، به ارزیابی چگونگی وقوع آن نیز می‌پردازد. باید توجه داشت که به خاطرات یا دیده احتیاط نگاه کرد و اصول و معیارهای نقد تاریخی را در استفاده از آنها به کار بست تا از قابل اعتماد بودن آنها مطمئن شد. از پایان قرن هفدهم میلادی، خاطرات شخصی گروه‌های متعدد اجتماعی سه عنوان نمونه داده‌های تاریخی مورد توجه محققان قرار گرفته است: خاطرات ایرانی- اسلامی، از قرون میانه، سفرنامه‌نویسی به عنوان شکلی از خاطره‌نگاری مرسوم بوده و نمونه‌های بارزری از آن در ادوار گوناگون تاریخی می‌توان برشمرد. در تاریخ معاصر ایران، با توجه به تحولات مهم، نهضت‌ها و قیام‌های مردمی علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی به ویژه در آغاز انقلاب اسلامی که این تلاش‌ها را به ثمر رساند، ثبت وقایع از زبان شاهدان عینی رویدادها حائز اهمیت است. مرکز اسناد انقلاب اسلامی با توجه به این ضرورت، بخشی از فعالیت‌های خود را به ضبط، تدوین و انتشار خاطرات شخصیت‌های دخیل در وقایع انقلاب اسلامی اختصاص داده است تا منابع نسبت اول در اختیار پژوهشگران تاریخ معاصر ایران و تاریخ انقلاب اسلامی قرار گیرد. انقلاب اسلامی همان‌گونه که محصول فعالیت‌های گسترده گروه‌ها و اقبال مختلف جامعه بوده است، باید از زبان افرادی متفاوت و متعدد نیز با گو شود تا علاوه بر دسترسی جامع‌تری به جزئیات وقایع چگونگی و زوایای گوناگون وقایع نیز پدیدار شوند.

خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ علی‌اکبر مهدوی خراسانی که در این راستا منتشر می‌شود، اطلاعات سودمندی از سال‌های مبارزه روحانیت و دیگر افشار جامعه با رژیم پهلوی دارد. مهدوی خراسانی طلیه جوانی بود که ابتدا تحت تأثیر مبارزات و فعالیت‌های فدائیان اسلام با مبارزه آشنا گردید و در آغاز دهه ۱۳۴۰ متأثر از فضای انقلابی که حضرت اسام ایجاد کرده بودند، از طریق منبر و وعظ و خطابه به باران امام بیوست و به گسترش و فراگیر نمودن پیام انقلابی نهضت امام پرداخت. منبرهای آتشین و انقلابی ایشان در تهران موجب شد تا تحت تعقیب ساواک قرار گیرد و چند بار ممنوع‌الخبر، ممنوع‌الخروج و زندانی شود.»

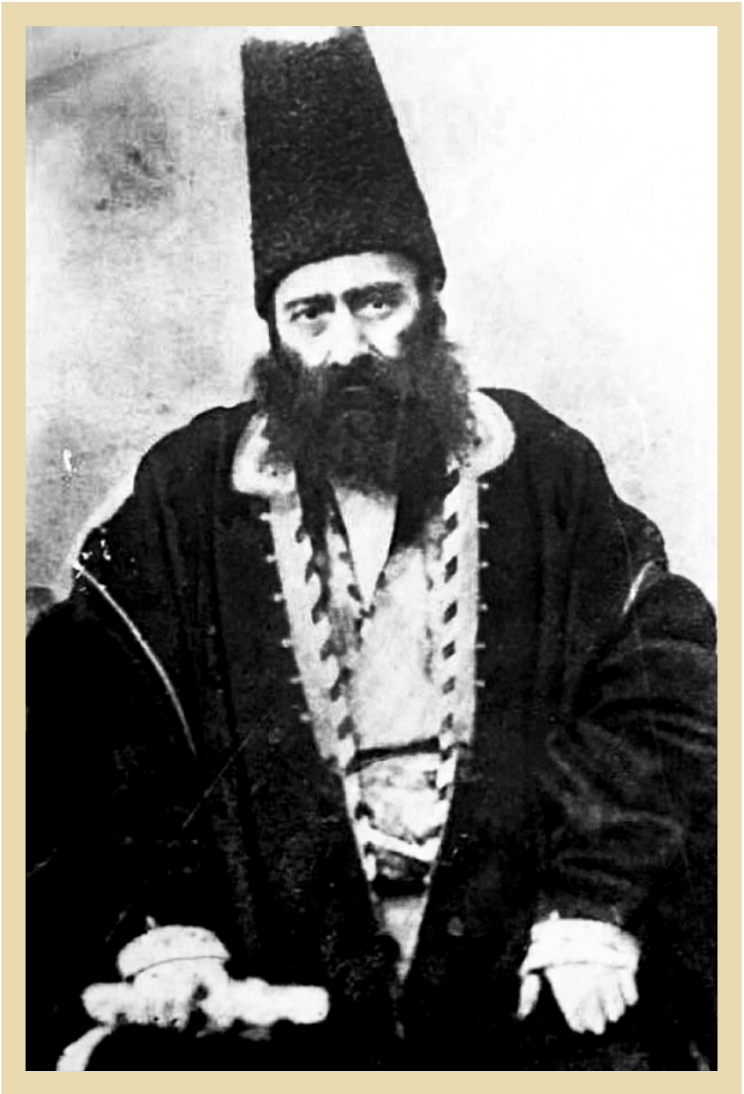
■ **نیم‌احمدپور**

پدیده ملی‌گرایی در ایران، یا مختصاتی که از آن معهود است،به یکباره و در تاریخ معاصر ایران پدید می‌آید و در ادوار پیشین فرهنگ و سیاست ایران دارای سابقه نبود. مقالی که هم‌اینک پیش‌روی شماست،سعی دارد تا علاوه بر سنجش نسبت اسلام و ملی‌گرایی، به پیشینه این رویکرد در تاریخ معاصر ایران بپردازد. امید آنکه تاریخ‌پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **نسبت‌سنجی میان اسلام و ملی‌گرایی**

در آغاز مقال مناسب است پیش از ورود به پیشینه پدیده ملی‌گرایی در ایران، میان این رویکرد و آیین اسلام نوعی نسبت‌سنجی صورت گیرد. واقعیت این است که در اسلام، اصل وجود اقوام، طوایف و ملیت‌های متعدد مورد تأیید قرار گرفته و اسلام نهضت‌شعوبیه است مردم از قومیت و ملیت خود دست بردارند. با این همه تلاش اسلام این است که همه مسلمانان را به وحدت دعوت کند و از تفرقه و پراکندگی برحذر دارد و این دقیقاً همان تفاوتی است که دیدگاه اسلام با ناسیونالیسم و ملی‌گرایی به معنای متعارفش دارد. هدف نسل‌ام این است که انسان‌ها دست از ملیت محوری و نژادگرایی بردارند و امت واحد شوند؛از این رو از جریان انقلاب مشروطه اعلام کردند هر کسی که اگر(ص) نیز همواره سه این امر توجه داشتند و بر آن تأکید می‌کردند. ابو داوود در سنن خود از بی‌عقبه نقل کرده است: «مردی از ایران می‌گفت که با رسول خدا(ص) در جنگ‌احد همراه بودم و به یکی از مشرکین ضربه‌ای زدم و گفتم این ضربه را از من که یک جوان ایرانی هستم بگیر. رسول خدا(ص) ناراحت شدند و فرمودند چرا گفتی این‌ضربه را از من بپذیر که یک جوان انصاری هستم؟» پیامبر(ص) در قضیه



تصویری پویافته از زنده‌یاد میرزا تقی خان امیرکبیر

## د

**میرزا آ تقی خان فراهانی**، **امیر کبیر طی چهار سال صدارت خود برای سرپلندی ایران** و **قطع دخالت بیگانگان تلاش‌های ارزشمندی انجام داد و سعی کرد جلوی چپاول بیت‌المال توسط دولتمردان و شاهزادگان قاجاری را بگیرد، کشاورزی را توسعه دهد،راه‌های جدید احداث کند،قشون منظمی را برای حفظ امنیت و تمامیت ارضی کشور فراهم آورد و حاکمیت ملی ایران را استحکام بخشد**

برقراری روابط سالم با سایر اقوام و ملل تلاش کردند فرهنگ و تمدن خود را توسعه بدهند و از این طریق سطح فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خود را نیز ارتقا بخشیدند. در دوره ساسانی با حاکمیت دین زرتشت بر نظام سیاسی ایران یک نظام طبقاتی در ایران ایجاد شد که ابتدا مورد قبول اکثریت جامعه نبود. در این دوران، برخی حاکمان با استفاده از دین زرتشت بر مردم ایران ستم روا داشتند و قطعاً این شیوه از پذیرش اسلام توسط توده‌های مردمی و پیروزی سریع اعراب بر حکومت ساسانیان نقش اساسی داشت. ملت ایران که در اسلام شعارهای عدالت‌خواهانه را می‌دید و از ستم حاکمان به تنگ آمده بود، با آغوش باز اسلام را پذیرفت.

■ **امویان یاد آور سستم ساسانیان برای مردم ایران**

باروی کار آمدن بنی‌امیه، ملت ایران ستمگری‌های ساسانیان را در آنها متجلی دیدند و با شعار برتری عرب نسبت به عجم به مبارزه پرداختند و با پذیرش مذهب تشیع، بزرگ‌ترین خدمات را به اسلام انجام دادند. یکی از واکنش‌های ایرانیان نسبت به رویکردهای بنی‌امیه، تشکیل نهضت شعوبیه بود. این حزب از اشراف، فتوالا‌ها و نیخبگان ایرانی تشکیل شده بود و به مثابه یک نیروی ملی، در رأس دیگر نهضت‌های توده‌ای با تسلط سیاسی اعراب و دیگر بیگانگان و متجاوزان سه مبارزه پرداخت. اقدامات ناچوانمردانه برخی اعراب که تحت لوای دین اسلام کارهای ضدانسانی و خلاف اصول اخلاقی انجام می‌دادند، خشم ایرانیان را برانگیخت و پیگیری دائمی با آنان شکل گرفت. در اعتراض به برتری جویی اعراب در ایران، حزب «تسویه» ایجاد شد. اعضای این حزب با استناد به آیات قرآن و احادیث نبوی تلاش می‌کردند برابری همه مسلمان‌ها از هر قوم و قبیله و ملتی را اثبات کنند. رسول‌اکرم(ص) فرموده بودند: «عرب نسبت به عجم برتری ندارد،مگر سه تقوا». این مبارزات و اعتراضات سبب گردید حاکمان جامعه اسلامی به تدریج عملکرد خود را تغییر بدهند و شیوه‌ای مخالف با یزید و معاویه و سایر خلفای بنی‌امیه‌ادر پیش بگیرند. در دوره عباسیان،تجربه‌های ایرانیان در امر حکومت نقش اساسی پیدا کرد و در دوره ۵۰۰ساله خلافت عباسیان، تعامل بین ایرانی‌ها و اعراب به اوج خود رسید؛بسیاری از ایرانی‌ها به مقامات بالای اداری و سیاسی دست پیدا کردند و توانستند حکومت‌های محلی ایجاد کنند.

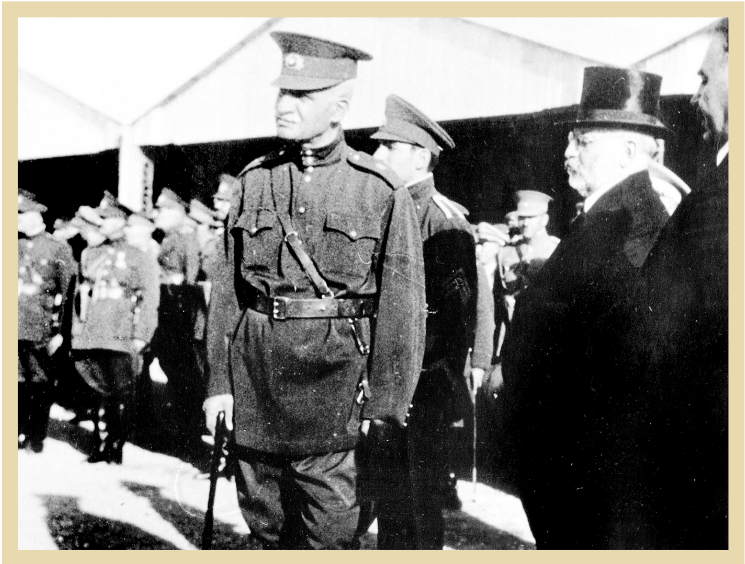
■ **ایرانیان خادمان صادق مکتب اسلام و تشیع**

با ایجاد حکومت سسامانیان،زمینه برای احیای زبان و فرهنگ ایران باستان فراهم شد و آنان سعی کردند بین زبان فارسی و عربی،نوعی تعامل برقرار و زبان مستقلی را برای خود ایجاد کنند.این رویه با دیگر کشورها از جمله مصر که پس از قبول اسلام،زبان عربی را جایگزین زبان خود کردند به کلی تفاوت داشت و هوشمندی و زیرکی ایرانی‌ها را نشان می‌داد. ایرانی‌ها در عین حال که اسلام و مذهب تشیع را پذیرفتند و خدمات کم نظیری را به مسلمانان رامت واحده و آنان را برادر یکدیگر می‌باند، اما هیچ‌گاه اصل ملت را مورد تسکیک قرار نمی‌دهد. البته ملی‌گرایی در شکل معتدل خود نیز هیچ‌گاه ادعا اولین سال‌های نخست،از شمال آفریقا تا دورترین نقاط آسیا و اسپانیا و مغولستان را درنوردد و همه را متحد و یکپارچه کند و نژادها، اقوام، ملل، زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف را زیر پرچم یک امت متحد گرد هم آورد. با این همه پس از رحلت رسول‌الله(ص) متأسفانه به مرور تفکرات ارتجاعی، جامعه اسلامی را گرفتار نژادپرستی و قومیت‌گرایی کرد و خلفای اموی با مطرح کردن برتری عرب بر عجم،به حس نژادپرستی در جوامع اسلامی دامن زدند. شکل‌گیری نهضت شعوبیه یکی از نتایج سیاست غلط برتری عرب بر عجم بود.

این قرن‌های ۱۹ و ۲۰ یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های متفکران اسلامی مواجهه با ناسیونالیسم بوده است و آنان همواره به دنبال آشتی داند ناسیونالیسم با اسلام بودند.

■ **رویکرد علمای شیعی به ملی‌گرایی**

علمای شیعه به بحث ناسیونالیسم توجه خاصی دارند و در جریان انقلاب مشروطه اعلام کردند هر کسی که در راه دفاع از کشورش کشته شود، شهید محسوب می‌شود و لذا به ملی‌گرایی چهره مذهبی دادند. صاحب جواهر طی فتوایی اعلام کرد وقتی جامعه‌ای مورد تهاجم قرار می‌گیرد و اسارت و آوارگی و نابودی اموال مسلمان را در پی دارد،بر هر مسلمانی، زن و مرد، پیر و جوان، سالم و بیمار و حتی کور و ناقص‌العضو واجب است که به هر نحو ممکن از ناموس و سرزمین و اموال خود دفاع کنند و نیازی به اذن امام و دیگر شروط جهاد نیست.



رضاخان در حال بازدید از بری تأسیسات نظامی

■ **ملی‌گرایی ایرانی در تاریخ اخیر**

با پیروزی انقلاب فرانسه در سال ۱۱۶۸ هـ ش که همزمان با اواخر دوره زندیه بود، موج ملی‌گرایی به ایران هم رسید؛در دوره قاجار به مرور وارد ایران شد و در دوره پهلوی و به ویژه دوره ملی شدن صنعت نفت اوج گرفت. با اعزام دانشجویان خارجی به اروپا و چاپ روزنامه‌های فارسی‌زبان در ایران به کشور و مسافرت‌های سیاسی و تجاری، اندیشه‌های ملی‌گرایی در ایران شکل گرفتند. مدافعان ملی‌گرایی از دوره قاجار تا کنون شامل دو گروه می‌شوند. گروه اول کسانی بودند که با

## ۹ جوان ۵۹۲۹

تلاشی خستگی‌ناپذیر سعی می‌کردند در جهت عظمت و سرپلندی کشور اقداماتی انجام دهند و کشور را تبدیل به یکی از کشورهای پیشرفته دنیا کنند و گروه دوم کسانی بودند که وابستگی آنان به خارجی‌ها مسلم بود و حتی مقرری داشتند و سعی می‌کردند با توسل به ملی‌گرایی، زمینه را برای نفوذ بیشتر خود و بیگانگان در هیئت حاکمه فراهم کنند. عباس میرزا و قائم مقام فاضل ابوقائم مقام فراهانی از جمله کسانی بودند که تلاش می‌کردند عقب‌ماندگی‌های کشور را برطرف و به مردم خدمت کنند. عباس میرزا ابتدا به اصلاح وضعیت سیاه پرداخت و عده‌ای از جوانان بااستعداد ایرانی را برای تحصیل علوم و فنون جدید به اروپا فرستاد و نهایت توان خود را به کار گرفت تا کشور که در اثر بی‌لایقی فتحعلی‌شاه همواره در معرض آسیب‌های جدی بود، کمتر صدمه ببیند. از جمله اقدامات مهم عباس میرزا، فرمان ترجمه کتب گوناگون درباره اوضاع اروپا بود که زمینه‌بیداری ایرانیان و انقلاب مشروطه را فراهم ساخت. میرزا تقی‌خان فراهانی،امیرکبیر طی چهار سال صدارت خود برای سرپلندی ایران و قطع دخالت بیگانگان تلاش‌های ارزشمندی انجام داد و سعی کرد جلوی چپاول بیت‌المال توسط دولتمردان و شاهزادگان قاجاری را بگیرد، کشاورزی را توسعه دهد،راه‌های جدید احداث کند،قشون منظمی را برای حفظ امنیت و تمامیت ارضی کشور فراهم آورد و حاکمیت ملی ایران را استحکام بخشد. عده‌ای از ایرانی‌ها که از عقب‌ماندگی کشورشان رنج می‌بردند و عاشق وطن خود بودند، به طرق مختلف سعی در رفع عقب‌ماندگی‌ها داشتند. رهاورد این عده از نفر به کشورهای خارج انتشار روزنامه و کتب روشنگرانه بود. از جمله کتاب «سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ» نوشته حاج‌زین‌العابدین مراغه‌ای که نمونه‌ای از علایق و اعتقادات ایرانی‌های وطن‌پرست و علاقه‌مند به پیشرفت کشور است.

■ **ملی‌گرایان بیگانه‌گرا!**

در کنار این‌افراد عده‌ای هم بودند که به ظاهر ادعای وطن‌دوستی و وطن‌پرستی می‌کردند، اما سر در آخور بیگانگان داشتند؛از جمله میرزا ملکم‌خان که در واگذاری امتیاز روتیر به انگلیسی‌ها و نیز گرفتن مجوز لاتاری (قمارخانه) از ناصرالدین شاه نقش اساسی را ایفا کرد. همچنین است سردار اسعد بختیاری، بیرم خان اقلی و محمدولی خان تکلانی. پس از پیروزی انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ هـ ش، هر چند این گروه شروع کنندگان انقلاب نبودند، اما خیلی زود مهار انقلاب را در دست گرفتند و آن را به انحراف کشیدند و خون عده زیادی را که در راه تحقق مشروطه جان باخته بودند، هسر دادند. بدین ترتیب ملی‌گرایی در تاریخ ایران مفهومی معادل با وابستگی به غرب پیدا کرد.

■ **ظهور رضاخان و تلاش برای ایجاد گسست میان اسلام‌گرایی و ایران‌گرایی**

با شروع حکومت رضاخانی، ملی‌گرایی و ناسیونالیسم، مفهومی دولتی و حکومتی پیدا کرد و رضاخان تلاش کرد تحت لوای «پان ایرانیسم» تّز جدایی دین از سیاست را در کشور پیاده کند. او به سفارش رایانباش سعی کرد با یّز گمنامی ایران باستان و قوم آریایی، ناسیونالیسم شاهنشاهی را جایگزین اسلام کند و مشروط‌وعیت رضاخانی خود را بر باستان‌گرایی استوار سازد. تمام تلاش حکومت رضاخانی این بود که تمدن اسلامی انکار شود و حتی مورد تحقیر قرار گیرد. همچنین با یّز گمنامی ایران به فرهنگ باستانی ایران خود را به باستان و قوم آریایی، ناسیونالیسم شاهنشاهی را جایگزین اسلام کند و مشروط‌وعیت رضاخانی خود را بر باستان‌گرایی استوار سازد. تمام تلاش حکومت رضاخانی این بود که تمدن اسلامی وفاداری به اسلام،به تاریخ و اساطیر ایران پیش از اسلام هم توجه داشتند. برابر اندیش چهره‌های غیر از آثار منظوم و منثور،در حرکت‌های سیاسی‌ای چون نهضت شعوبیه یا قیام خردمندان و آل‌زبار هم شهوید است. سازگاری میان عناصر دینی و ملی همواره در زندگی و مفروضات اسلامی است و در آثار بزرگانی چون طبری، دینوری، حزره‌اضفهانی، ابن‌بلخی و… تاریخ‌اسلام با مهارت تام در کنار تاریخ باستان ایران قرار گرفته و گاه با یکدیگر ترکیب شده‌اند. برابر اندیش چهره‌های اسطوره‌های تاریخ ایران باستان همچون کیومرث یا حضرت آدم(ع) با ربط دادن خادان رستم به حضرت نوح(ع) یکی از نشانه‌های سازگاری دین و ملیت در ایران است. مرده عادی هم در فرهنگ عامه خود نمونه‌هایی از این سازگاری‌ها را متجلی کرده‌اند. از جمله آشنایی رستم با حضرت علی(ع) و یاری رساندن امام به پهلوان ایرانی در جنگ‌هایش علیه ستمشاه ایران. خلاصه کلام اینکه در تاریخ گذشته ایران هیچ نوع تقابلی بیسن دین و ملیت ایرانی وجود نداشته است. فرهنگ و تمدن ایرانی طی قرون و اعصار،استحکام و توانمندی خود را به اثبات رسانده و همواره فرهنگ اقوام مهاجم به این سرزمین را در فرهنگ خود استحاله کرده است. این مسئله هم در مورد اعراب مسلمان هم درباره اقوام ترک و مغول و پیروان مذاهب مختلف مضائق دارد؛به طوری که همه اقوام و مذاهب، امروز جزئی از مردم ایران محسوب می‌شوند و ایرانی‌ها از قابلیت‌های فرهنگی این اقوام برای تقویت بنیه فرهنگی خود کمک گرفته و در عین حال اصالت خود را هم حفظ کرده‌اند.

■ **ملی‌گرایی پس از اخراج رضاخان از ایران**
با حضور متفقین در ایران و رضاخان و روی کار آمدن فرزند جوان او محمدرضاشاه اقدامات تجزیه‌طلبانه پیشه‌سوری در آذربایجان و قاضی محمد در کردستان، تضعیف موقعیت انگلستان در سطح دنیا و جرئت پیدا کردن مردم برای اعتراض به وضعیت موجود و درخواست تغییر،شرایط برای تشکیل جبهه ملی در ایران آماده شد. با کنار رفتن رضاخان، آزادی‌های عمومی از جمله انتشار نشریات مختلف موجب ارتقای سطح آگاهی مردم شد و طبقه متوسط جدیدی پدید آمد. در پی تشدید مردم‌پریمیت در جامعه در کنار ارتقای آگاهی‌های عمومی،فعالیت احزاب و مطبوعات شدت بیشتری پیدا کرد. وجود فضای باز سیاسی،شکست حزب توده در رهبری طبقات محروم و سرانجام اتحاد روشنفکران و برخی رهبران مذهبی، زمینه شکل‌گیری نهضت را در سبتر تحولات مختلف فراهم آورد. از آنجا که محمدرضا شاه جوانی ترسو بود و تجربه‌ای هم در امر سیاست نداشت،با آنکه مایل بودمثل پدرش مهار کارها را در دست بگیرد،اما شهامت و قاطعیت او را نداشت؛لذا سیاستمدان مستبندی که در دوره رضاشاه پرورش پیدا کرده بودند،در تلاش برای حفظ منافع اربابان خود، با هر نوع اندیشه آزادی‌خواهانه و ملی‌گرایی مبارزه می‌کردند.